



الحمد لله  
الكرين



دانشگاه ایلام

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

## بررسی اندیشه ها و ویژگی های شعر مدام دیری

پژوهش و نگارش

غلامرضا زارعی

استاد راهنما

دکتر حسن سلطانی

استاد مشاور

دکتر خلیل بیگ زاده

شهریور ماه 1388

## تقدیم به

پدر و مادر عزیزم که موفقیت‌م مرهون جانفشانی‌های آنهاست

## سپاس و قدر دانی

اکنون که به فضل ایزد متعال این نوشته به پایان رسیده است ، بر خود فرض می دانم ، با توجه به حدیث « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » از همه کسانی که برای به سرمنزل رسیدن این نوشته مرا یاری نموده اند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم . بخصوص استادان فاضل و اندیشمندان آقایان دکتر حسن سلطانی استاد راهنما و دکتر خلیل بیگ زاده استاد مشاور ، که این نوشته را با دقت تمام مطالعه کرده اند و از نظرات اصلاحی ایشان بهره های بسیار برده ام. همچنین از خانواده سادات قاهری ، بخصوص سید فخر الدین قاهری که آثار و اطلاعات مورد نیاز را در اختیار اینجانب قرار داده اند و از همه دوستانی که در این راه مرا یاری نموده اند ، بخصوص خانواده ام که سختی های زیادی را متحمل شده اند، نهایت سپاس و تشکر را دارم .

## چکیده

سید عبدالقاهر، مدام دیرّی از بزرگترین شاعران استان بوشهر در صد و پنجاه سال اخیر است. وی از شاعرانی است که در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار می زیسته و دوره مشروطه را درک کرده است. ایشان در قالبهای قصیده، غزل، مثنوی، مسمط و دیگر قالبهای شعری طبع آزمایی کرده است. وی در قصیده از شاعران سبک خراسانی، در مثنوی از نظامی، در غزل از حافظ تقلید نموده و به خوبی از عهده این کار برآمده است.

مدام در اشعار خود، مانند بیشتر شاعران بزرگ فارسی، آیات و احادیث، فلسفه و عرفان، نجوم و موسیقی و دیگر علوم متداول زمانه خود را برای بیان مضامین مورد نظر خود به کار گرفته است. وی از جمله شاعرانی است که اگر در زمانه خود شناخته می شد، به یقین در کتب تاریخ ادبیات، تراجم و تذکره ها از او به عنوان یکی از شاعران مطرح زمان خود نام برده می شد. اما دوری از مرکز، مسافرت های دور و دراز و دلایل متعدد دیگری از جمله در دسترس نبودن آثار وی باعث شده است که ایشان حتی در شهر و دیار خود نیز گمنام باشد.

این پایان نامه مشتمل بر 176 صفحه و چهار فصل می باشد. فصل اول آن زندگی و روزگار شاعر، فصل دوم اندیشه های مدام، فصل سوم عناصر و ویژگیهای شعر مدام و فصل چهارم ویژگیهای هنری و زیبایی شناسی شعر ایشان می باشد.

**واژه های کلیدی:** مدام دیرّی، احوال و آثار، بوشهر، دیر

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

1.....	مقدمه .....
8.....	فصل اول: زندگی و روزگار شاعر .....
9.....	بخش اول: زندگی نامهٔ مدام .....
9 ...	1-1-1- زندگی و احوال شاعر .....
10.....	2-1-1- تحصیلات .....
11.....	3-1-1- مهاجرت به بندر دیر .....
12.....	4-1-1- سفرهای مدام .....
12.....	5-1-1- آثار مدام .....
13.....	6-1-1- تخلص مدام .....
14.....	7-1-1- موقعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استان بوشهر در دورهٔ مدام .....
17.....	بخش دوم: معاصران و ممدوحان .....
17.....	1-2-1- معاصران محلی .....
17.....	- فایز دشتی .....
18.....	- ملاحسن کیگانی .....
19.....	2-2-1- معاصران ملی و مرکز نشین .....
19.....	- میرزا هدایت آشتیانی .....
20.....	3-2-1- ممدوحان محلی .....
20.....	- سید محمد لنگه ای .....
22.....	- جمال خان دشتی .....
24.....	- حاجی خان دشتی .....
25.....	4-2-1- ممدوحان ملی و مرکز نشین .....
25.....	- ناصرالدین شاه قاجار .....
26.....	- مظفرالدین شاه قاجار .....
29.....	فصل دوم: اندیشه های مدام .....
30.....	کلیات .....

- 31..... بخش اوّل آیات و احادیث
- 31..... 1-1-2- آیات
- 31..... 1-1-1-2- توحید و صفات خداوند
- 36..... 2-1-1-2- آفرینش انسان
- 37..... 3-1-1-2- آیه امانت
- 38..... 4-1-1-2- عهد الست
- 38..... 5-1-1-2- پیامبر اسلام (ص)
- 40..... 6-1-1-2- معراج پیامبر (ص)
- 41..... 7-1-1-2- حضرت علی (ع)
- 42..... 8-1-1-2- موضوعات مختلف قرآنی
- 47..... 2-1-2- احادیث
- 51..... بخش دوم: منقبت پیامبر و اهل بیت
- 52..... 1-2-2- پیامبر اسلام حضرت محمد (ص)
- 56..... 2-2-2- حضرت علی (ع)
- 60..... 3-2-2- حضرت فاطمه علیها السلام
- 60..... 4-2-2- امام حسن و امام حسین علیهم السلام
- 61..... 5-2-2- امام سجّاد تا امام رضا علیهم السلام
- 61..... 6-2-2- امام جواد تا امام عسکری علیهم السلام
- 62..... 7-2-2- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- 63..... بخش سوم: عرفان و فلسفه
- 63..... 1-3-2- عرفان
- 66..... 1-1-3-2- اصطلاحات و مفاهیم عرفانی در شعر مدام
- 79..... 2-3-2- فلسفه
- 80..... 1-2-3-2- اصطلاحات و واژگان فلسفی
- 85..... بخش چهارم: تاثیر از ادب سنتی
- 88..... 1-4-2- قالب های شعری
- 88..... 1-1-4-2- مثنوی
- 92..... 2-1-4-2- غزل



95.....	2-4-1-3- قصیده
97.....	2-4-2- وزن و قافیه
98.....	2-4-3- ویژگی های زبانی
98.....	2-4-3-1- واژه های مهجور سبک خراسانی
101.....	2-4-3-2- الف اطلاق
101.....	2-4-3-3- اندر، ایدر و ایدون
102.....	2-4-3-4- واژه های ترکی - مغولی
102.....	2-4-4- واژگان شعری
109.....	فصل سوم: عناصر و ویژگیها
110.....	بخش اول: محیط و تاثیر آن بر شعر شاعر
111.....	3-1-1- اقلیم طبیعی
113.....	3-1-2- محیط خانوادگی
113.....	3-1-3- محیط فرهنگی
114.....	3-1-4- محیط دینی و مذهبی
116.....	بخش دوم: علوم (نجوم، موسیقی و عربی)
116.....	3-2-1- نجوم
116.....	3-2-1-1- اصطلاحات نجومی
131.....	3-2-2- موسیقی
131.....	3-2-2-1- ابزار و وسایل موسیقی
132.....	3-2-2-2- اصطلاحات موسیقایی
134.....	3-2-2-3- موسیقیدانان
135.....	3-2-3- عربی
135.....	3-2-3-1- استفاده از کلمات عربی
136.....	3-2-3-2- ابیات عربی و «لمعات»
136.....	3-2-3-3- بیان قواعد صرف و نحو عربی
140.....	فصل چهارم: ویژگی های هنری و زیبایی شناسی
141.....	بخش اول: کلیات
144.....	بخش دوم: بیان

144	..... تشبیه	1-2-4
150	..... استعاره	2-2-4
154	..... مجاز	3-2-4
155	..... کنایه	4-2-4
155	..... حس آمیزی	5-2-4
156	..... پارادوکس یا متناقض نما	6-2-4
158	..... بخش سوم آرایه های لفظی	
158	..... جناس	1-3-4
161	..... اشتقاق	2-3-4
161	..... قلب	3-3-4
162	..... موازنه و ترصیح	4-3-4
162	..... واج آرایبی	5-3-4
163	..... لف و نشر	6-3-4
163	..... تضاد	7-3-4
166	..... نتیجه گیری	
167	..... پیوستها	
171	..... فهرست منابع و مآخذ	

## مقدمه

یکی از مباحث مهم که در حوزه زبان و ادب فارسی از گذشته های دور مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده، تاثیر شاعران و نویسندگان نواحی مختلف در زبان رسمی بوده است. این موضوع تا بدانجا اهمیت دارد، که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت. در ادبیات معاصر، شاعرانی مثل نیما، اخوان و شفیعی کدکنی با حضور خود نشان داده اند که اقلیم و فرهنگ بومی و محلی تا چه حد در زبان معیار، تاثیر گذاشته اند. در گذشته های دور هم می توان آثار فرهنگها و گویشهای شاعران بومی را ردیابی و جستجو کرد. جلال الدین محمد بلخی به یقین واژگانی از سرزمین مادری و فرهنگ بومی خود را در شعر و هنر خویش نمایانده است. فردوسی نیز بسیاری از واژگان خراسانی را در شاهنامه خود برای همیشه زنده نگه داشته است.

مدام دیرری یکی از شاعران محلی است که در استان بوشهر می زیسته است. پیشینه شعر و ادب مکتوب در استان بوشهر، به صد و پنجاه سال پیش، یعنی دوره قاجار برمی گردد. در سالهای 1250 تا 1300 هـ. ق شاعران بسیاری در مناطق مختلف استان بوشهر پا به عرصه شعر و شاعری می گذارند و بیشتر آنها در قالب دوبیتی، آلام خود و مردم دیارشان را به تصویر می کشند. استان بوشهر، از دوره قاجار به این سو، از فرهنگی غنی و درخشان برخوردار بوده است؛ ویژگی های قومی و ملی ساکنان این دیار که از قومیت های مختلف و متنوع ایرانی؛ مهاجرین لر و کرد، عرب و حتی سیاهان آفریقا تشکیل شده، سبب نوعی تضارب فرهنگی شده است که در کمتر جای کشور این تنوع جمعیتی و فرهنگی را می توان یافت.<sup>1</sup>

از میان شاعرانی که در سال های 1250 تا 1300 هـ. ق می زیسته اند، بی گمان معروفترین آنها فایز است که بیشترین توجه علاقه مندان به شعر بوشهر را به خود جلب کرده است. سبب توجه و علاقه به فایز و سروده های او این است که، شعر مورد علاقه مردم استان بوشهر، دوبیتی است و فایز با توانایی و استعدادی که در سرودن این نوع شعر داشته، گوی سبقت را از همگان ربوده است و بعد از باباطاهر همه را متوجه خود کرده است. البته در این دوره شاعران توانایی مانند ملاحسن کبگانی، محمدخان دشتی و ... می زیسته اند که به واسطه ذوق و قریحه ای که در شعر و شاعری داشته اند، این دوره از ادوار طلایی شعر استان بوشهر محسوب می شود.

در این دوره طلایی که شاعران و نویسندگان زیادی در جای جای استان بوشهر، به عنوان شاعر و نویسنده پا به عرصه می گذارند سید عبدالقاهر موسوی حسینی متخلص به مدام دیرری نیز در بندر دیر، یکی از بنادر استان بوشهر، به عنوان شاعری صاحب ذوق، ظهور می کند. این شاعر بزرگ و توانای دیرری چون به دریانوردی و ملوانی اشتغال داشته، بیشتر اوقات عمر خود

را در سفر گذرانده و شمال خلیج فارس، بصره و عراق تا دریای عمان، هندوستان و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را درنوردیده و سالیانی را در هندوستان اقامت کرده است. ایشان در بندرلنگه، در کنار مهم ترین ممدوح خود، سید محمدلنگه ای، به عنوان یکی از شاعران توانای این خطه، شهره زبانها بوده است. اما همین مدام دیری در منطقه خود گمنام است، و اگر کتاب سرزمین های شمالی خلیج فارس و دریای عمان سدید السلطنه بندرعباسی نبود، چه بسا، مدام دیری از یادها رفته بود و هیچ کس کوچکترین اطلاعی از وی نداشت.

علاوه بر کتاب سدید السلطنه، در سال 1378 هـ. ش صندوقچه ای در انبار حسینیّه متعلق به نوادگان مدام دیری پیدا شد که قسمتی از دیوان مدام دیری همراه با کتاب کشکول، (به همت نوادگان آن مرحوم) به دست آمد که دوباره نام مدام را بر سر زبانها انداخت. و یکی دیگر از شاعران این خطه و آثار او از دستبرد فراموشی رهایی یافت و آثار ادبی او به جامعه ادبی ایران و استان بوشهر معرفی شد. و این نوشته در ادامه پاسداشت زنده نگه داشتن نام و آثار وی است. در اینجا لازم است که به یکی از پرسش های مفروض پاسخ دهم و آن اینکه چرا از میان شاعران بومی به مدام دیری پرداخته ام؛ برای پاسخ به این پرسش چند دلیل، قابل اعتنا و توجه است.

1- از سال 1383 که دیوان مدام دیری به زیور نشر آراسته شده و در دسترس علاقه مندان به شعر و ادبیات استان بوشهر و جامعه ادبی ایران قرار گرفت، به جز چند مقاله که در نشریات محلی استان بوشهر درباره مدام چاپ شد، پژوهش چشمگیر دیگری که در جایی چاپ شود، یا به اتفاق خاصی منجر شود، انجام نشده است. و نگارنده با توجه به مطالعه مختصری که در دیوان مدام دیری انجام داده و یکی از کارهای پژوهشی دوره کارشناسی ارشدم را به زیبایی های ادبی شعر مدام، اختصاص داده ام، لازم دیدم که به بررسی زندگی و شعر این شاعر توانا و گمنام همشهریم بپردازم، تا شروعی برای بررسی های مفصل دیگران در این زمینه شود.

2- همان طور که می دانیم زبان فارسی یکی از عوامل مهم و عمده وحدت ملی و پیوند میان قومیت ها در گستره سرزمین ایران بوده و هست. بر این اساس پرداختن به شاعران بومی که در گوشه و کنار این مرز و بوم بالیده اند و هنر و اندیشه خویش را در ظرف زبان و ادب فارسی ارائه کرده اند، یکی از ضروریات روزگار ما محسوب می شود. این نوشته و مکتوباتی از این دست می تواند جهات مختلف فرهنگ و زبان فارسی را در نزد اقوام و خرده فرهنگها به مخاطبین بنمایاند. بدیهی است که هرچه آثاری از این نوع به جامعه ادبی ایران عرضه شود، زوایای

بیشتری از جایگاه و تاثیر و تأثر متقابل فرهنگ های بومی و زبان فارسی آشکارتر و روشن تر خواهد شد.

3- توجه به آثار شاعران بومی باعث می شود که به جنبه های مشترک زبان رسمی و معیار با لهجه ها و گویش ها پی ببریم. ونیز واژگانی که ممکن است در زبان اصلی به دست فراموشی سپرده شده باشند، دوباره در عرصه زبان پدیدار شوند. این امر ضمن اینکه موجب تقویت و گسترش زبان فارسی می شود، از طریق آن می توان معادلهای زبانی برای موضوعات نوپدید استخراج کرد.

علاوه بر اینها می توان فرضیات زیر را به عنوان دیگر دلایل این پژوهش برشمرد:

1- به نظر می رسد که از طریق شعر شاعران بومی می توانیم جنبه های مشترک فرهنگ ها و زبانها را بیابیم.

2 با بررسی آثار شاعران بومی می توان به تاثیر ادبیات سنتی و اندیشه های شاعران بزرگ و ملی بر شاعران بومی پی برد.

3- شاید بتوان گفت که مبانی اندیشه های شاعران بومی، علاوه بر دریافتها و آموخته های شخصی، می تواند ریشه در ادبیات سنتی و شاعران گذشته نیز داشته باشد.

برای رسیدن به پاسخی درخور اعتنا و توضیح و اثبات آنچه طرح کردم، مجموعه این پژوهش را به چهار فصل تقسیم کرده ام، که در ادامه کلیات آن طرح می شود.

فصل اول، که با نام زندگی و روزگار شاعر است، تلاش کرده ام با استفاده از منابع موجود، بخصوص دیوان شاعر، به زندگی، آثار و احوال شاعر و معاصران و ممدوحان وی پردازم و وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی استان بوشهر را در زمان وی شرح دهم.

از این فصل می توان نتیجه گرفت که معرفی معاصران، ممدوحان و وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی استان بوشهر در زمان شاعر به ما کمک می کند تا از زندگی و دوره او ذهنیت بهتر و روشن تری داشته باشیم.

در فصل دوم، با اندیشه های مدام آشنا می شویم که، در چهار بخش تنظیم شده است. در بخش اول، آیات و احادیثی را که مدام به آنها استناد کرده و یا به آنها اشاره کرده است، ذکر کرده ام. در بخش دوم، به نقش چهارده معصوم در شعر مدام پرداخته ام و ابیاتی را که در منقبت آن بزرگان سروده است، ذکر کرده ام. در بخش سوم، به شرح مختصری درباره عرفان و فلسفه در میان مسلمانان و نکاتی پیرامون عرفان و فلسفه در شعر مدام پرداخته ام و در ادامه واژگان و اصطلاحات عرفانی و فلسفی را که در شعر مدام به کار رفته اند، به طور مختصر شرح داده ام. در

بخش چهارم به تاثیر ادبیات سنتی و شاعران بزرگ فارسی بر شعر وی پرداخته ام. در این بخش نکته بسیار زیبایی که توجه مرا به خود جلب کرد، این بود که وقتی برای معنی برخی از واژه های کهن سبک خراسانی به لغت نامه دهخدا مراجعه کردم، در کنار برخی از آنها نوشته شده بود که شاهدهی برای آن یافت نشد و آن واژه، در دیوان مدام موجود بود.

از این فصل این گونه می توان نتیجه گرفت که با توجه به مسلمان و شیعه بودن مدام و آشنایی وی با زبان عربی، از آیات و احادیث، بخصوص احادیث شیعی در اشعار خود بهره برده است و همچنین در اشعار خود از چهارده معصوم نام می برد و اعتقاد قلبی خود را به این بزرگان نشان می دهد و بارها از ولایت حضرت امیر(ع) سخن می گوید. مدام با توجه به مطالعه آثار گذشتگان و تاثیر از ادبیات گذشته در آثار خود از اصطلاحات عرفانی و فلسفی نیز استفاده کرده است، اما این بدان معنی نیست که مدام عارف و یا فیلسوف است. مدام در سرودن اشعار خود متأثر از شاعران بزرگ زبان فارسی از سبک خراسانی تا سبک هندی، بخصوص نظامی و حافظ است.

فصل سوم که با نام عناصر و ویژگی های شعر مدام و در دو بخش است، به تاثیر محیط در شعر مدام و همچنین علوم مختلف، از جمله: نجوم، موسیقی و عربی را در شعر مدام مطالعه کرده و به کنکاش درباره آن پرداخته ام. در بخش علوم، اصطلاحات و واژه های نجومی و موسیقایی را از شعر مدام استخراج کرده و با توجه به منابع اصیل به شرح این اصطلاحات پرداخته ام.

به عنوان نتیجه گیری از این فصل می توان گفت که در شعر مدام می توان به تاثیر محیط شاعر بر شعر وی اشاره کرد و با توجه به بندری بودن مدام و داشتن شغل دریانوردی، واژه های دریا، کشتی، موج و اصطلاحات دریایی در دیوان شاعر بسآمد بالایی دارد. وی با توجه به تاثیر از ادبیات سنتی، از اصطلاحات نجومی و موسیقایی در اشعار خود استفاده کرده و با توجه به تسلطی که بر زبان عربی داشته است، واژه های عربی را بیش از حد معمول به کار برده است.

فصل چهارم که با نام برخی زیبایی های هنری و آرایه های ادبی و در سه قسمت است، ابتدا کلیاتی از خیال را مطرح کرده ام. در ادامه به بحث بیان و صورخیال در شعر مدام پرداخته ام، سپس آرایه های لفظی را در شعر مدام بررسی کرده ام. در بحث بیان مدام توجه خاصی به تشبیه بلیغ داشته اند و در آرایه های لفظی به جناس بیشتر توجه کرده اند و با استفاده از جناس به خلق زیبایی های ادبی پرداخته اند. نتیجه ای که از این فصل می توان گرفت، این که مدام شاعری تشبیه گراست و از تصاویر عینی بیش از تصاویر ذهنی و انتزاعی استفاده کرده است و در بحث آرایه های لفظی، به زیبایی های لفظی علاقه خاصی داشته است.

شیوه کار من در نوشتن این پژوهش، بیشتر تحلیلی-توصیفی است. در ترجمه آیات قرآن از ترجمه بهاءالدین خرمشاهی استفاده کرده ام. ترجمه ها را در کنار آیات آورده ام و نام سوره و شماره آیه را در ضمن متن نوشته ام. یادداشتهای هر فصل را در پایان آن فصل ذکر کرده ام و در ارجاع به دیوان مدام دیری از ذکر نام دیوان خودداری کرده ام و فقط شماره صفحه و شماره بیت را به ترتیب از سمت راست به چپ ذکر کرده ام. برای ارجاع ابیات دیگر شاعران، از ارجاع درون متنی استفاده کرده ام و به این ترتیب، ابتدا نام خانوادگی شاعر، تاریخ چاپ اثر و شماره صفحه را نوشته ام.

در آغاز کار از کمبود منابع آگاه بودم، مستندات آغازین این نوشته را بر اساس کتاب سرزمین های شمالی خلیج فارس و دریای عمان سدیدالسلطنه بندرعباسی و دیوان اشعار مدام دیری انجام دادم. مقالاتی را که در نشریات محلی استان بوشهر درباره مدام چاپ شده بود، و نیز ویژه نامه ای را که آموزش و پرورش شهرستان دیرتهیه کرده بود، جمع آوری کردم، به مطالعه آنها پرداختم؛ اما این نوشته ها از پاسخ گویی به بسیاری از سوالاتم ناتوان بودند، به نوادگان مدام دیری، بخصوص سید فخرالدین قاهری مراجعه کردم و ایشان در حد توان به سوالات من پاسخ گفتند و شجره نامه و آثار مهر و دستنوشته های مدام را در اختیار اینجانب قرار دادند که کمک بسیار بزرگی بود. با همه این موارد و کمبود منابع در مورد مدام و کمبود منابع در شهرستان محل زندگی، بارها دیوان مدام را مطالعه کردم و از همه کسانی که منابع و اطلاعاتی داشتند، کمک گرفتم تا این نوشته به شکل امروزی خویش در آمد.

در اینجا از همه استادان بزرگوار دانشگاه ایلام، بخصوص آقایان دکتر سلطانی و دکتر بیگ زاده که بذل عنایت فرموده، با راهنمایی ها و هدایت های دلسوزانه خویش مرا در این راه یاری کرده اند، تشکر می کنم. و از همه کسانی که به نحوی در آماده کردن این نوشته مرا یاری داده اند، از مسئولین و کارکنان کتابخانه های دانشگاه ایلام، کتابخانه عمومی شهرستان دیر، دوستان و همکاران فرهنگیم، خانواده مدام دیری و خانواده ام تشکر و قدردانی می کنم.

در این نوشته هر جا بحث و مطلب به خوبی ارائه شده است، از لطف و عنایت خداوند متعال و راهنمایی های استادان بزرگوارم بوده است. بی شک این نوشته از کاستی ها خالی نیست که امیدوارم استادان ارجمند و مخاطبان گرامی مرا در رفع این نواقص یاری نمایند.

غلامرضا زارعی

شهریورماه 1388

## یادداشت مقدمه

1- آتشی، منوچهر، هفته نامه نسیم جنوب، پیش شماره 2، ص 3



## فصل اوّل

# زندگی و روزگار شاعر

## بخش اول

### زندگی نامه مدام

#### 1-1-1. زندگی و احوال شاعر

در سیزدهم ذی الحجه سال 1265 هـ. ق برابر با هشتم آبان ماه 1228 هـ. ش سید عبدالقاهر در خانواده ای که از سادات بحرین بودند، در بوشهر چشم به جهان گشود.<sup>1</sup>  
مدام در دیوان اشعارش این گونه به ذکر نام خود می پردازد:

گفتا مدام خصم تو مقهور کرده ایم      واین نام قاهر تو مکنّا زقهر ماست

(5/122)

وی همچنین در اشعار خود به این نکته که از سلسله جلیله سادات است، اشاره کرده

است:

دوده فخر دودمانهایم      که از او فخر دودمان باشد

از نتاج علی عمرانم که خداوند راستان باشد

(132 و 13/13)

مرحوم سید عبدالله قاهری «الموسوی» فرزند مدام دیری سلسله نسب خود را این گونه ذکر می کند؛ «عبدالله ابن المرحوم المقدّس السید عبدالقاهر ابن السید مهدی ابن السید علی ابن السید محمد ابن السید یونس ابن السید بهاء الدین ابن السید صالح ابن السید علی ابن السید ضیاء الدین ابن السید هاشم ابن السید شرف الدین ابن السید مهدی ابن السید محمد ابن السید فخرالدین ابن السید ناصر ابن السید محمد ابن السید حسن ابن السید یحیی ابن السید علی ابن السید اسماعیل ابن السید علی ابن السید اسماعیل ابن السید حسین ابن السید موسی ابن السید ابراهیم ملقب بالمرتضی و بالمجاب ابن الامام المفترض الطاعه المرجو منه الشفاعة سبع الاثمه و ذخر الامه الامام موسی ابن جعفر الصادق ابن الامام محمد الباقر ابن الامام زین العابدین علی ابن الامام الشهید الحسین السبط اخی الحسن المجتبی ابنی امیر المومنین الامام علی ابن ابی طالب و امها فاطمه الزهراء بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و هذا ما رایته بخط ابی و ابی ائیه بخط من تقدم منا خلفاً عن سلف»<sup>2</sup>

این شجره نامه در بیست و چهارم شوال سال 1343 نوشته شده است و همانطور که قبلاً ذکر شد سید عبدالله فرزند مدام تصریح می کند که این شجره نامه را بر اساس نوشته پدرش و ایشان نیز از نوشته گذشتگان خود، نسل به نسل یادداشت کرده است و از آیندگان نیز می خواهد که این کار را انجام دهند.<sup>3</sup>

مدام در دیوان اشعارش به نژاد عربی خود اشاره می کند و در ادامه خود را ایرانی می داند:

من عرب زاده ز فرسم چه دهم شرح فراق      مرغ نزهتگه انسم چه دهم شرح فراق  
(3/ 136)

ایشان در جای دیگری از دیوان، با احساسات وطن پرستانه درباره ایران سخن می گوید که تا عمق جان اثر می گذارد و چون از دل برمی آید لاجرم بردل می نشیند:

عرب را کرد مستولی بر ایران      که ایران تا قیامت زوست ویران  
بلی ایران را برباد او داد      به یغما کشور آزاد او داد

(56 و 23/1)

درباره تاریخ وفات او اطلاع دقیقی در دست نیست و متأسفانه به دلیل اینکه ابتدا و انتهای دیوان او به سبب فرسودگی از بین رفته است، نمی توان تاریخ مشخصی را از آن به دست داد.

مرحوم سدید السلطنه بندرعباسی در کتاب سرزمین های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان می گوید: «در سال 1333 هـ. ق. تفنناً به عباسی آمده تجدید ملاقات حاصل شد».<sup>4</sup>

با توجه به شجره نامه ای که مرحوم سید عبدالله، فرزند مرحوم مدام نوشته است و تاریخ کتابت آن سال 1343 هـ. ق. است و ایشان نام مدام را با کلمه مرحوم عبدالقاهر ذکر می کند، می توان گفت تاریخ وفات مدام بین سالهای 1333 تا 1343 هـ. ق. اتفاق افتاده است.<sup>5</sup> آرامگاه مدام در بقعه بی بی هاشمیه واقع در بندر دیر می باشد.

## 1-1-2. تحصیلات

در بوشهر مانند بیشتر مناطق ایران، اطفال چون هشت ساله شوند ایشان را به مکتب گذارند. بدو قرآن مجید به او یاد دهند بدون معنی. پس قصص گربه و موش و خاله سوسکه و امثال آن آموزشند. پس دیوان حافظ خوانند. پس از آن هرگاه صلاح ورزند، شاهنامه فردوسی. هرگاه اهل منبر باشند کتاب مختار و جوهری خوانند و آن دو کتاب را باید از برکنند. اگر پدر مایل نظم است کلیات سعدی و اگر مورخ است مجلدات ناسخ التواریخ به او یاد دهند.<sup>6</sup>

سید عبدالقاهر در بوشهر به مکتب رفته و حقایق شریعت و طریقت را آموخته است.<sup>7</sup> از دیوان مدام دیری بر می آید که وی مطالعات عمیق و گسترده ای در ادبیات فارسی و زبان و ادبیات عرب داشته است، به طوری که استفاده از واژه های عربی در دیوان مدام می تواند به صورت یک ویژگی سبکی محسوب گردد. وی همچنین در قصیده ای به بیان صرف و نحو عربی می پردازد:

حرف اسم الفعل انشای وی ام	گر که دانی فاعل اسم فاعل است
سهل نبود پرتو افشای وی ام	اسم فاعل را عمل در مصدر است
مقتضای فعل اسمای وی ام	گر به نحوی هر زمان حرفی زخم
گاه عامل گاه ملغای وی ام	گاه فعل ناقص کائن به کون
تا دو مفعول آید اجرای وی ام	گاه افعال قلوبم زاعتداد

(7-3/ 195)

در دیوان مدام علوم مختلف از فلسفه، منطق، کلام و عرفان گرفته تا نجوم، موسیقی، شطرنج و ... را می توان یافت. و اینها همه نشانگر آن است که وی با ادب سنتی آشنایی داشته است، و سفارش نظامی عروضی را در چهارمقاله که می گوید: «اما شاعر باید که در انواع علوم متنوع باشد